



عبدالاحمد فیض

از بکارگیری آشوبگران تا ادعای مغرضانه بر منابع آبی افغانستان!

افغانستان با داشتن جغرافیای کوهستانی نه تنها ثروتمند ترین کشور منطقه از لحاظ ثروتهای زیرزمینی است بلکه این وطن با داشتن منابع سرشار آبی از کشورهای غنی در حوزه پرآشوب آسیای مرکزی و جنوب آسیا محسوب میگردد و این ویژگی منحصر بفرد این کشور در تمام دوران حیاتش، خارجشم رقبای منطقوی و فرا منطقوی این خطه تاریخی بوده و ازین ناحیه مصایب بی شماری را نیز متحمل گردیده است.

همسایگان طماع و در کمین نشسته افغانستان با در نظر داشت اهمیت استراتژیک و داشتن ثروتهای طبیعی کشور ما در مقاطع مختلف با پیش گرفتن سیاست دخالت در امور داخلی افغانستان پیوسته تلاش نموده اند تا با ایجاد موانع متعدد مسیر انکشاف و توسعه کشور ما را سد شده و از بی ثباتیهای سیاسی و عقب ماندگی این وطن در راستای منافع آزمندانده شان بهره گیرند.

وقوع تحولات درماتیک در اوایل دهه هفتاد و حضور نیروهای شوروی سابق در افغانستان فضای دلخواه و جوسپاسی مناسبی را جهت تسریع روند مداخله اسلام آباد و تهران در امور داخلی افغانستان مهیا نموده و این همسایه گان ناخلف به بهانه حمایت از جهاد مردم افغانستان و جنگ برضد تهاجم مسکودر خط آشکار دشمنی با کابل قرار گرفت و سعی همه جانبه بخرج دادند تا با همسوی با جهان غرب ضربات مرگبار بر پیکر وطن محبوب ما وارد سازند.

این دوکشور که نیات واقعی مشارکت شان را در جنگ افغانستان در تحت شعارهای فریبنده پشتیبانی از داعیه نبرد برای آزادی افغانها، کتمان نموده بود، با راهبرد غرب در رأس ایالات متحده در راستای ایجاد لشکر جهاد اسلامی و سرباز گیری از محافل جنایکار همگام گردیدند، مراکز متعدد تربیت جنگجویان داخلی و خارجی را در داخل قلمروشان ایجاد و با اعطای مساعدت های مالی، تخنیکی و بخصوص جاسوسی به شورشیان مصرانه تلاش نمودند تا با بکارگیری کلیه ابزارهای ممکن نقشه ویرانی این وطن را بخوبی عملی نمایند.

هکذا تداوم درگیریها خونین و جنگ داخلی دهه نود که بعد از استقرار حکومت اسلامی بوقوع پیوست در حقیقت آخرین میخ در تابوت کلیه هستی های مادی، فرهنگی، ساختارهای اداری و بخصوص سیستم های زیربنای این وطن کوبیده شد که بدون اغماض نقش دولتهای همسایه

درو وجود حمایت از گروه های معین درگیر جنگ در نبردهای ویرانگر سال های نود از دید هیچ انسان صاحب وجدان پنهان نخواهند بود .

مزید برین نقش حکومت و محافل جاسوسی تهران و اسلام آباد در گشایش صفحه جدید جنگ تحمیلی کنونی و بحران جاری که با تسلیح، تجهیز، تحریک و حمایت از گروه های دهشت افکن برجسته میگردد، بوضوح گواه برین خواهد بود که این دو کشور همجوار در همه مقاطع تاریخی و بخصوص در کلیه سالهای بحران حاکم در کشور ما روی سیاست دشمنی با افغانها مناسبات شانرا طراحی نموده و این امر مبین این حقیقت است که نقش همسایه شرقی و غربی کشور ما که روزگاری بمثابه حامی جهاد چهره بدل نموده بودند هیچگاه و هرگز وجود افغانستان آزاد، با ثبات و پیشرفته را در مجاورت مرزهای شان تحمل نخواهد داشت.

درین روزها که دامنه خشونت و منازعه مسلحانه با تشدید رویکرد تجاوزکارانه همسایگان گسترش مضاعف کسب و نیز کابل گاه از گاهی از تمرکز روی منابع آبی و ایجاد پروژه های اعمار بندهای برق صحبت مینماید، رژیم اخندی ایران که اسلام آباد نیز با آنها همصدا گردیده است در صدد ادعای غیر مشروع حقه به هدف تحت فشار قرار دادن بیش از پیش کابل گردیده و سعی داشته است که در جنب تداوم حمایت از جنگجویان مسلح مخالف دولت افغانستان با اظهار نظرهای غیر مسوولانه، نا متعارف و غیر دیپلماتیک از ابزارهای مانند تجارت، مواد مخدر، حضور پناهندگان افغان و مناسبات مرزی بمثابه اهرم فشار بر کابل استفاده برده تا باشد افغانستان را به دادن امتیاز تا مرز عقب نشینی کابل از احداث بنادر آبی و پروژه های انکشافی تولید برق بر مسیر آبهای کشور و بخصوص در دریای هلمند مجبور سازند و این اقدامات در حالی انجام مییابد که تهران از وضعیت و رژیم حقوقی حاکم بر منابع آبی رودخانه هیرمند بخوبی آگاه بوده است که در معاهده بین المللی (۲۲) حوت (۱۳۵۱) هجری خورشیدی مطابق (۱۳) مارچ (۱۹۷۳) میلادی فی ما بین دو کشور تصریح گردیده است. این معاهده که مشتمل از یک مقدمه، دوازده ماده و دو پروتکل الحاقی است، میزان حقه جناب ایران را از رودخانه هلمند، (۲۶) متر مکعب در فی ثانیه مشخص و ماده دهم پیمان ادعای اضافی خارج از محتوی و مفاد کلی این معاهده را بوضوح منافی دانسته و چنین حاکمیت:

((ایران و افغانستان موافقت دارند که این معاهده بیانگر (ممثل) موافقت کامل و دائمی دولتین می باشد و احکام معاهده صرفاً در داخل حدود محتویات آن اعتبار دارد و تابع هیچ یک اصل (پرنسپ) یا سابقه (پرسیدنت) موجود و آینده نمی باشد)) لذا از فحوا کلی متن این ماده میتوان چنین استنتاج نمود که رژیم ایران ادعای فراتر از آن دارد که معاهده فوق مقرر داشته است.

همچنان جهات حقوقی حل منازعه ناشی از عدم رعایت مفاد این پیمان و یا تخطی از آن در ماده نهم بوضوح به شرح ذیل تصریح گردیده است: ((در صورت بروز اختلافات در تعبیر و اجرای معاهده طرفین اولاً از طریق مذاکرات سیاسی، ثانیاً از طریق مساعی جمیله مرجع ثالث برای حل اختلافات سعی خواهند کرد و در حالیکه این دومرتبه به نتیجه نه رسد، اختلافات مذکور بر اساس مواد مندرج در پروتکل شماره دوم الحاقی به حکمیت محول میگردد.))

لذا میرهن است که جانب دولت افغانستان از بدوی انفاذ معاهده (۲۲) حوت (۱۳۵۱) و مفاد میثاق بین المللی (۲۱) می (۱۹۹۷) میلادی در مورد استفاده مجاز از منابع آبی بین المللی نه تنها کلیه وجایب خویشرا در قبال تعهدات اش انجام داده است بلکه کابل بعلت استمرار جنگ نیابتی ناشی از دخالت بیرونی که نقش همسایگان در گسترش فجایع موجود انکارناپذیر است، در بیش از دودهمه اخیر حاکمیت خود را در مدیریت منابع آبی اش و بخصوص در حوزه آبی رودخانه هیرمند بگونه ملطوق و یا قسمی از دست داده و این امر موجب شده است تا شرکای آبی کشور بویژه حکومت ایران

از وضع بهره برداری نموده و سالانه میلیونها مترمکعب آب از منابع دریای کشور به ارزشهای میلیاردها دالر مورد سوء استفاده رژیم ایران قرار گیرد.

فلهذا ادعاهای غیردیپلماتیک و اتهامات واهی رژیم ایران مبنی بر تخطی کابل از معاهده بین المللی فوق تلاش هوش مندانه تهران در جهت روپوش گذاشتن بر موقف خصمانه آن کشور در قبال بحران جاری افغانستان و تغییر افکار عمومی از عملکردهای آن کشور در قبال پناهندگان افغانی و کاربرد اجباری لشکر عظیم افغانان پناهنده بمثابه ابزار جنگی و سوء استفاده از فضای جنگی و بی ثباتی های کشور ما در راستای سرقت و استفاده غیر مجاز از ذخایر آبی افغانستان در تمام دوران بحران جاری کشور ما بوده و به هیچ وجه تعبیر دیگری در قبال نخواهد داشت، لذا بردستگاه دیپلوماسی کابل است که با توجه به این تفکر حاکم در نظام بین الملل که در سده نوین منازعات آبی در جهان بمثابه انترنشنالیزه روى روى های اقتصادى و مسابقات تسلیحات خواهد بود، با جدی گرفتن ادعاهای کاذب تهران در زمینه عدم به اصطلاح استفاده غیر عادلانه کابل از منابع آبی دریای هلمند پرونده استفاده مجانی چندین ساله ایران از آبهای کشور را با توجه به مفاد معاهده فوق و رژیم حقوقی حاکم در آبهای بین المللی روى روى میز قرارداد و از موقف مشروع خویش در برابر موضع گیریهای اخیر تهران از مجاری دیپلماتیک تا تعقیب قضائی ادعاهای طرفین در مراجع قضائی بین المللی دفاع نماید که در غیر آن سکوت کابل به معنی از دست دادن حق حاکمیت بر ثروتهای آبی وطن و عقب نشینی مضحک از حق مشروع مان مبنی بر عدم تعقیب سیاست توسعه زیربنائی بر منابع آبی کشور خواهد بود.